



### گفت‌وگو با دکتر محسن مهاجرنیا درباره اثر برگزیده‌اش در جشنواره فارابی

## گذر به اجتهاد عقلانی

پژوهشی درباره منشأ شکل‌گیری «معرفت سیاسی» مسلمانان

### اندیشه سیاسی

مهسار رضایی

خبرنگار

کتاب «غیبت امام عصر (عج) و تکون دانش سیاسی شیعه» اثر حجت‌الاسلام دکتر محسن مهاجرنیا که به همت انتشارات علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده است در جشنواره فارابی امسال شایسته تقدیر شناخته شد. این جشنواره که مهمترین رخدادهای حوزه علوم انسانی بشمار می‌رود، هدفش معرفی و تقدیر از نظریه‌ها، مقالات و کتاب‌های اثرگذار حوزه علوم انسانی است. از این رو، با دکتر مهاجرنیا، استاد علوم سیاسی و رئیس اندیشکده مطالعات انقلاب اسلامی پیرامون این کتاب به گفت‌وگو نشستیم. او از دغدغه‌اش برای نگارش این اثر می‌گوید: اینکه «دانش سیاسی» مسلمانان چگونه شکل گرفت؟

جناب دکتر مهاجرنیا، دغدغه اصلی شما برای انجام این پژوهش چه بود که حاصلش کتاب «غیبت امام عصر (عج)» و تکون دانش سیاسی شیعه شد؟  
موضوع «غیبت امام عصر (عج)» در تولید دانش‌های سیاسی اسلامی» دغدغه‌ای است که از دوران تحصیل در رشته علوم سیاسی در من ایجاد شد و آن را به رساله دکتری تبدیل

و همکاری داشتند نیاز خارجی و تقاضای حکومت‌ها هم سبب شد تا در حوزه «فقه سیاسی» آثاری را تولید کنند.  
اما این قضیه در میان اهل تشیع آنچنان که باید مطرح نبود؛ از یک طرف بعد از رحلت رسول اکرم (ص) و طبق نصوص وحیانی و نبوی، شیعه معتقد به دوازده امام معصوم بود و تا اوایل قرن چهارم از چنین موهبتی برخوردار بود. در این راستا، از مقام معظم رهبری هم کتابی با عنوان «انسان ۲۵۰ ساله» منتشر شده است که به دوران حضور امامان شیعه اختصاص دارد. در این دوره، شیعه نیازی به دانش نداشت چون چشمه جاری «نصوص» در اختیارش بود و از طرفی مخالف نظام سیاسی حاکم بود و تقاضایی از طرف حکومت‌ها نداشت. به همین دلیل، در دوره حضور دانش سیاسی به معنای امروزی عقلانی و اجتهاد و استنباط فقهی غیرمعصوم اتفاق نیفتاد. اما بعد از غیبت امام عصر (عج) نیاز به چنین دانش‌هایی احساس شد. چون چشمه جاری نصوص عملاً خشک شد و عالمان

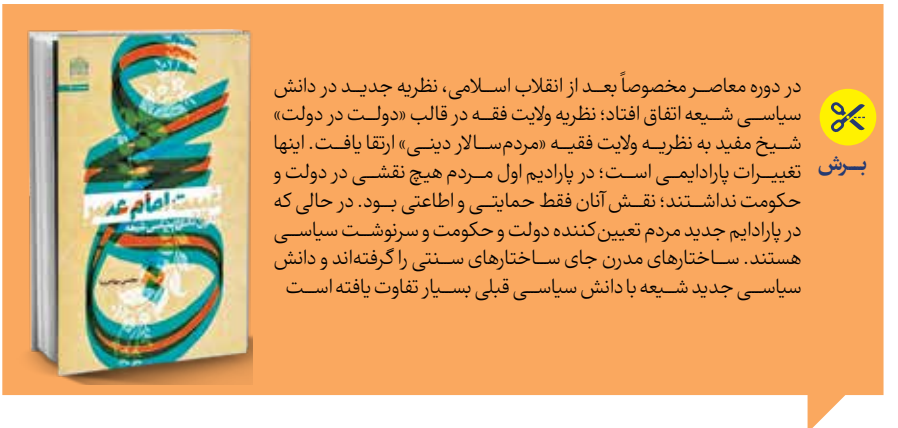
شیعی در دوره تحیر یک قرن تمام به فکر جمع‌آوری نصوص برآمدند و موفق شدند تراش شیعه را در قالب منابع حدیثی گردآوری کنند.  
در واقع، حادثه غیبت امام دوازدهم (ع) دو اتفاق را رقم زد: یکی گذار از نصوص قدسی به اجتهاد عقلانی و دیگری گذار از رهبری امام معصوم به رهبری فقیه است. در این دوره، مسئولیت رهبری جامعه شیعی بر دوش عالمان افتاد و آنان اندیشه‌ورزی و اجتهاد خود توانستند مکتب اهل‌البيت (ع) را در سخت‌ترین دوران خفقان حاکمیت سیاسی و فشارهای اکثریت اعتقادی حفظ کنند.  
دانش سیاسی شیعه در این دوره چگونه تولید شد؟  
وقتی از «دانش سیاسی» سخن به میان می‌آید، دو نوع تصور ایجاد می‌شود: نخست آنکه دانش سیاسی یک دانش عقلانی یا تجربی است که جوامع آن را برای تحقق مقاصدشان استخدام می‌کنند؛ حال یا از رهگذر بومی‌سازی و اسلامی‌سازی یا به مثابه یک ابزار خنثی از آن بهره می‌گیرند. اما

دو قرن بعد از غیبت امام عصر (عج)، شیعه متناسب با هویت مکتبی خود از دانش سیاسی مستقلی برخوردار شد. من در این کتاب به این نکته متمرکز شده‌ام که اگر غیبت اتفاق نمی‌افتاد، شیعه به «معرفت سیاسی» مستقل دست پیدا نمی‌کرد

صورت دیگر، آن است که جوامع برای حل مشکلات زندگی و سیاسی برای رتق و فتق امور به سراغ منابع دینی می‌روند تا دستور را از خود دین بگیرند و دانش را از متون دینی استنباط و استخراج کنند.  
دانش سیاسی در قرن چهارم برای تشیع از این سنخ بود؛ آنان نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند از دانش سیاسی آن روز خود استفاده کنند لذا در شرایط سخت، بدون تجربه و الگوی قبلی شروع کردند و از مجرای روایات برای سامانه زندگی سیاسی خود «الگوسازی» کردند. از یک طرف حجم عظیمی از روایات ۲۵۰ ساله را استخراج کردند که هر نوع تعامل با حکومت ظلمه و سلاطین جور را تحریم می‌کرد و از طرف دیگر با انبوهی از روایت سرورگار داشتند که بعد از غیبت امام عصر (عج) توسط عالمان پارسی و فقیهان معتقد به مکتب طرح می‌شد.  
انباشت اطلاعات سبب تولید دانش شد؛ از طرفی در مقابل دو فرقه کلامی معتزله و اشاعره که از اهل سنت بودند و متکلمان شیعی به اسم عدلیه وارد میدان شدند و برای نظریه‌های فقهی شیعیان پشتوانه مبنایی و نظری ایجاد کردند. همزمان با فعال شدن «دارالحکمه بغداد» ترجمه متون فلسفی، پزشکی، هیأت و نجوم و ریاضی و طبیعیات و الهیات سیر ملل به زبان عربی شروع شد و اولین گروهی که مسئولیت تولید دانش دینی در این حوزه را به دست گرفت، شیعیان بودند. حکیم ابونصر فارابی فیلسوف شیعی است که وارد میدان شد و به کمک فقیهان شیعه شتافت و نظریه «ولایت فقیه» را تقویت کرد.  
نتیجه این هماهنگی فوق‌العاده در دوران بحران این شد که در چهار عرصه «معرفت سیاسی» تکوین یافت: یکی در عرصه حدیث‌شناسی

که محدثان با درک شرایط سیاسی به دسته‌بندی روایات سیاسی از غیرسیاسی اقدام کردند. دوم تلاش اجتهادی فقیهان بود که هم به صورت سلبی حاکمیت موجود را نفی کردند و هم به صورت اثباتی حاکمیت مشروع فقیهان را اثبات نمودند. سومین مورد تکاپوی متکلمان بود که با نوشتن آثار متعددی در مقوله «غیبت» تکلیف شیعه را در فراسوی غیبت بیان کردند و با مشروعیت‌بخشی به نظریات فقهی، به دنبال تحکیم و تقویت فقاقت پرداختند. چهارمین عرصه معرفتی هم رویکرد عقلی و فلسفه سیاسی است که علاوه بر تبیین عقلی زندگی سیاسی و مدینه فاضله اسلامی و نفی حکومت‌های غیرفاضله، به تقویت ریاست فقیهان و ضرورت عقلی پذیرش ولایت آنان می‌پردازد.  
نتیجه این تلاش و تکاپو آن شد که دو قرن بعد از غیبت امام عصر (عج) شیعه متناسب با هویت مکتبی خود از دانش سیاسی مستقلی برخوردار شد. من در این کتاب به این نکته متمرکز شده‌ام که اگر غیبت اتفاق نمی‌افتاد، شیعه به چنین دانش‌هایی دست پیدا نمی‌کرد.  
ارزیابی‌تان از وضعیت فعلی دانش سیاسی شیعه چیست؟  
من در این تحقیق وضعیت دو دوره صدر غیبت و دوره معاصر را با هم بررسی و تا حدودی مقایسه کردم. تلاش دوره نخست به لحاظ سیاسی آن شد که نظریه «دولت در دولت» به مثابه پارادایم حاکم بر تفکر سیاسی شیعه مطرح شد و به مدت شش قرن یعنی تا زمان صفویان مبنای رفتار سیاسی شیعه بود. ما در دوره هجوم مغولان به جهان اسلام بر اساس همین تعامل با سلاطین جور توانستیم نسل دوم مغولان یعنی تیموریان را رام کنیم و ایرانیان را به پذیرش مکتب

اهل‌البيت (ع) و امدار کنیم. حضور فقیهانی چون علامه حلی و خواجه نصیرالدین طوسی در دربار اولجایتو که به سلطان محمدخاندانده تغییر نام داد، براساس همان نظریه غالب شیعه بود. اما با روی کار آمدن صفویان پارادایم «دولت در دولت» تغییر کرد و شاه عادل جای شاه ظالم را گرفت.  
اما در دوره معاصر مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی، نظریه جدید در دانش سیاسی شیعه اتفاق افتاد؛ نظریه ولایت فقیه در قالب «دولت در دولت» شیخ مفید به نظریه ولایت فقیه «مردم‌سالار دینی» ارتقا یافت. اینها تغییرات پارادایمی است؛ در پارادایم اول مردم هیچ نقشی در دولت و حکومت نداشتند؛ نقش آنان فقط حمایتی و اطاعتی بود. در حالی که در پارادایم جدید مردم تعیین‌کننده دولت و حکومت و سرنوشت سیاسی هستند. ساختارهای مدرن جای ساختارهای سنتی را گرفته‌اند و دانش سیاسی جدید شیعه با دانش سیاسی قبلی بسیار تفاوت یافته است.  
این اثر چه مخاطبانی را مدنظر داشته‌است؟  
این اثر در چهارچوب نهضت نرم‌فزاری و تولید علوم انسانی اسلامی تولید شده است. بالطبع همه کسانی که این دغدغه را دارند، مخاطب این اثر هستند اما به صورت خاص سطح علمی کتاب متناسب قشر فرهیخته حوزوی و دانشگاهی است.  
آیا در این حوزه کار دیگری هم در دست دارید؟  
این روزها «حکمت سیاسی امام خمینی (ره)» به مثابه یک مکتب سیاسی مستقل از سه مکتب فلسفی گذشته (مشایی و اشراقی و متعالیه) را در دستور کار دارم و کتابی هم با عنوان «فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی» در دست انتشار دارم.



در دوره معاصر مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی، نظریه جدید در دانش سیاسی شیعه اتفاق افتاد؛ نظریه ولایت فقیه در قالب «دولت در دولت» شیخ مفید به نظریه ولایت فقیه «مردم‌سالار دینی» ارتقا یافت. اینها تغییرات پارادایمی است؛ در پارادایم اول مردم هیچ نقشی در دولت و حکومت نداشتند؛ نقش آنان فقط حمایتی و اطاعتی بود. در حالی که در پارادایم جدید مردم تعیین‌کننده دولت و حکومت و سرنوشت سیاسی هستند. ساختارهای مدرن جای ساختارهای سنتی را گرفته‌اند و دانش سیاسی جدید شیعه با دانش سیاسی قبلی بسیار تفاوت یافته است.

Advertisement for 'Fardisoun Football Club' (فدراسیون فوتبال) featuring a list of services and contact information. Includes a logo and a list of 15 items.

Advertisement for 'Fardisoun Football Club' (فدراسیون فوتبال) featuring a list of services and contact information. Includes a logo and a list of 15 items.

Advertisement for 'Fardisoun Football Club' (فدراسیون فوتبال) featuring a list of services and contact information. Includes a logo and a list of 15 items.

Advertisement for 'Fardisoun Football Club' (فدراسیون فوتبال) featuring a list of services and contact information. Includes a logo and a list of 15 items.

Advertisement for 'LORC' (شرکت لورس) featuring a list of services and contact information. Includes a logo and a list of 15 items.